



بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری - 12 شهریور / 1394

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين سيما بقیة الله فی الارضین. قال الله الحكيم فی كتابه: هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَ اللَّهُ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا. (۲)

خوشامد عرض میکنم به برادران عزیز، آقایان محترم؛ و تشکر میکنم از اینکه لطف کردید و محل کار ما را با حضور خودتان منور و معطر کردید. اهمیت مجلس و اعضای مجلس به نحوی است که انسان واقعا احساس میکند که حضور شما در هر جایی ان شاء الله مایه‌ی برکت خواهد بود. مجلس خبرگان میتواند مظهر تام و تمام این انزال سکینه‌ی الهی باشد؛ چون این انزال سکینه‌ی الهی از نشانه‌های ایمان است: هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ؛ این سکینه‌ی الهی، مایه‌ی ازدیاد ایمان و مایه‌ی تقویت ایمان است. معنای سکینه هم آرامش در مقابل تلاطم است؛ حوادث گوناگون، خبرهای گوناگون، دشمنی‌ها، وضعیتهای مختلف، در روح انسانها به طور طبیعی تلاطم ایجاد میکند. این آرامش خیلی از اوقات مایه‌ی استقرار فکر و ذهن و استقامت در طریق میشود. خدای متعال این سکینه را، آرامش را به مؤمنین میدهد به برکت ایمانشان و به آنها خاطر جمعی میدهد که «وَاللَّهُ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ». از چه انسان واهمه کند؟ همه‌ی نیروهای زمین و آسمان، همه‌ی سنن طبیعت، جنود الهی هستند و متعلق به خدایند؛ اگر ما مؤمن باشیم، اگر ما بنده‌ی خدا باشیم، این نیروها در خدمت مؤمنین قرار میگیرند. این همان آرامشی است که انسان پیدا میکند. باز در یکی دو آیه‌ی بعد [میفرماید]: وَ اللَّهُ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا؛ (۳) این عزت الهی و قدرت الهی، نشانه‌ی همین «اللَّهُ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ» است. مؤمنین در یک چنین عالمی، در یک چنین فضایی حرکت میکنند، زندگی میکنند و تنفس میکنند. مجلس خبرگان یکی از جاهایی است که میتواند منبع و منشأ یک چنین آرامشی باشد.

دو انتخابات مهم در این مجلس انجام میگیرد: یکی انتخاب به وسیله‌ی مردم که معتمدین خودشان را معین میکنند و انتخاب میکنند که این معتمدین عمده‌ی کارشان هم انتخابی است که بعداً آنها خواهند کرد؛ انتخاب دوّم، [یعنی] انتخاب رهبری. دو انتخاب در اینجا وجود دارد؛ یعنی مجلس خبرگان مظهر حضور مردم و مظهر مردمی بودن و دخالت آراء مردم و سلاطین مردم است؛ هیچ نهاد دیگری را ما به این شکل نداریم که دو انتخاب در دل آن وجود داشته باشد که نشان‌دهنده‌ی اراده‌ها و نیتهای مستقل باشد. انتخاب دوّم هم انتخاب رهبری است؛ در اینجا تفاوتش با سایر انتخابهای جمعی این است که اینجا ملاک و معیار عبارت است از فقه؛ یعنی ارزشهای اسلامی. بنابراین انتخاب آنها انتخابی است برای حاکمیت ارزشهای اسلامی، برای اجرای احکام اسلامی، برای تحقق اسلام در واقعیت زندگی. ادیان الهی نیامده‌اند که فقط در اذهان باقی بمانند؛ باید در واقعیت زندگی تحقق پیدا کنند. خب، این ابزار و وسایلی لازم دارد؛ اینجا این ابزار، مجلس خبرگان است که از این طریق تضمین میکند حاکمیت ارزشهای الهی را و اجرای احکام الهی را و حاکمیت دین خدا را و حاکمیت اسلام را. بنابراین، این مجلس



همچنین مظهر آراء مردم و مردم‌سالاری دینی یا مردم‌سالاری اسلامی هم هست؛ یعنی مظهر مردم‌سالاری اسلامی به‌طور کامل و تام و تمام در واقع این مجلس است؛ اهمیت مجلس اینجا است. وقتی این مجلس تشکیل میشود و آمادگی خود و استقلال فکری خود و آگاهی خود را نشان میدهد، این موجب سکینه و آرامش در دل‌های مؤمنین میشود؛ در واقع این سکینه‌ی الهی، سرریز میشود از این مجلس به داخل جامعه. بنابراین مهم این است که در مراحل هردو انتخاب بایستی دقت لازم انجام بگیرد؛ هم انتخاب مردم‌خبرگان را، هم انتخاب خبرگان رهبر را؛ دقت‌های لازم و استقلال فکری بایستی به‌طور کامل مراعات بشود. حالا در باب انتخابات ما عرایضی داریم که بعدها عرض خواهیم کرد؛ اینجا نمیخواهیم وارد آن موضوع بشویم.

مجلس خبرگان بایستی استقلال فکری داشته باشد که حالا عرض میکنم این استقلال فکری بر چه مبنا است. عمده این است که اسیر کلیشه‌های تحمیلی نظام سلطه نباید بشود. یک تفکراتی، یک مفاهیمی از سوی تبلیغات پُر حجم نظام سلطه، به‌طور شبانه‌روزی در سرتاسر عالم دارد پراکنده میشود؛ یکی از مهم‌ترین مسائل این است که ما باید اسیر نشویم. این سفارش فقط به مجلس خبرگان نیست، این سفارش به همه‌ی مسئولان کشور است، به همه‌ی ارکان نظام است بلکه سفارش به همه‌ی صاحب‌نظران است -صاحب‌نظران سیاسی، صاحب‌نظران اجتماعی، صاحب‌نظران دینی- که مراقب باشند: وَ إِن تَطْعَ اَكْثَرُ مَنْ فِی الْاَرْضِ یُضِلُّوكَ عَنِ سَبِيلِ اللّٰهِ؛ (۴) این را بدانند. این جور نیست که چون حالا با یک حجم عظیمی از تبلیغات بر روی یک موضوعی تمرکز میکنند، تکیه میکنند، تکرار میکنند، با زبانهای مختلف آن را بیان میکنند، ناچار ما هم بایستی هم‌رنگ جماعت بشویم و همان را مطرح کنیم، همان را تکرار کنیم؛ نه، ما خودمان مبانی داریم، ما فکر داریم.

استکبار در صدد آن است که کلیشه‌های مورد نظر خودش را به همه‌ی مردم دنیا تحمیل کند؛ هم به آحاد ملت‌ها، هم بالخصوص به مسئولان و مؤثران کشورها؛ یعنی دولت‌ها، نمایندگان مجالس، تصمیم‌گیران، تصمیم‌سازان، به قول خودشان اتاق‌های فکر، به همه‌ی اینها میخواهند آن کلیشه‌های خودش را تحمیل کنند و آن را وارد ذهن آنها و فضای ذهنی آنها بکنند. مایلند همه، جهان را از منظر آنها ببینند؛ مفاهیمی را که آنها بر روی آن تکیه میکنند، با همان رویکرد آنها، با همان نگاه آنها تشخیص بدهند و بشناسند. این رویکرد رویکرد سلطه‌طلبانه است؛ با این رویکرد سلطه‌طلبانه مفاهیمی را یا جعل میکنند یا دست‌کاری میکنند و معنا میکنند و مایلند همه، طبق معنای آنها این مفاهیم را بفهمند و به کار بگیرند و در ادبیاتشان از آنها استفاده کنند. فرض بفرمایید تروریسم یک مفهومی است که استکبار آن را در یک معنای خاصی به کار میبرد؛ یا حقوق بشر یا دموکراسی. فرض بفرمایید که شش ماه بمباران یمن و کوبیدن خانه‌ها و مدارس و بیمارستان‌ها و مانند اینها تروریسم نیست؛ مکرر در مکرر حمله کردن به مناطق فلسطینی‌ها در غزه و غیر غزه و کشتن صدها بلکه هزارها کودک و زن و مرد بی‌گناه و انسان بی‌دفاع تروریسم نیست؛ اینکه مردم بحرین میگویند که ما هر نفر در داخل این کشور یک رأی داشته باشیم، این ربطی به حقوق بشر ندارد، این مطالبه‌ی حقوق بشر نیست؛ اما دفاع نیروهای مقاومت در فلسطین و لبنان تروریسم است؛ گروه‌هایی که در لبنان یا در فلسطین مقاومت میکنند، با اشغالگر می‌جنگند، از سرزمین خودش را و از خانه‌ی خودش دفاع میکنند، اسمش تروریسم است! آنچه در کشورهای مستبد دنیا -که جزو اطرافیان و حلقه‌ی نزدیک سلطه و آمریکا در این



منطقه محسوب میشوند- میگذرد، ضدّ حقوق بشر نیست؛ اما فرض کنید مجازات مجرمی که اعتراف به جرم کرده و میکند یا مجازات یک اخلاگری که دهها یا صدها یا هزارها نفر را در یک کشور معتاد میکند به مواد مخدر، میشود ضدّ حقوق بشر! اینها این جوری هستند؛ یعنی مفاهیم را خودشان معنا میکنند؛ میخوانند آن جور که خودشان معنا میکنند، دیگران [هم] آن جور بفهمند و با ادبیات آنها حرف بزنند. ترور دانشمندان هسته‌ای تروریسم نیست -درحالی که صهیونیست‌ها تقریباً بصراحت اعتراف کردند که کار آنها بود؛ بعضی از کشورهای اروپایی تقریباً اعتراف کردند به اینکه آنها پشتیبان این کار بودند- و اصلاً جزو تروریسم محسوب نمیشود و محکوم کردن لازم ندارد؛ [اما] یک حادثه‌ی خیلی کوچک‌تر از این که فرض کنید در لبنان یا در یک جای دیگری اتفاق می‌افتد، برایش جلسه‌ی شورای امنیت تشکیل میدهند! یعنی نگاه آنها به مسائل جهانی این است؛ مفاهیمی را دست‌کاری میکنند، مفاهیمی را وضع میکنند، یک فهمی را به‌طور مستبدانه نسبت به یک مفهومی ابراز میکنند و توقع دارند همه‌ی دنیا از جمله ما در جمهوری اسلامی بر طبق فهم آنها بفهمیم، از منظر آنها ببینیم، بر طبق ادبیات آنها حرف بزنیم؛ این را از ما انتظار دارند؛ این یکی از نشانه‌ها و مظاهر واضح سلطه و استکبار است؛ درحالی‌که خود انقلاب اسلامی یک منظومه‌ی فکری دارد.

اهمیت این انقلاب و علت اینکه این انقلاب زلزله در دنیا ایجاد کرد، این نبود که یک حکومتی را سرنگون کرد؛ نه، علت این بود که یک منظومه‌ی فکری نو را به دنیا عرضه کرد و امروز هم همچنان در اکناف عالم، این منظومه‌ی فکری در حال پیشرفت است. با وجود سعی‌ای که در اخفاء آن و کتمان آن میکنند، این منظومه‌ی فکری دست‌به‌دست میگردد و بسیاری از دلها در دنیا -چه در دنیای اسلام، چه در حدّ کمتری در خارج از دنیای اسلام- [به آن] جذب میشوند؛ دلها هنوز متوجه این منظومه است و این منظومه‌ی فکری همچنان طراوت و تازگی خودش را حفظ کرده.

یکی از اجزای مهمّ این منظومه‌ی فکری که خیلی هم جاذبه دارد، عبارت است از نفی ظلم، نفی استکبار، نفی استبداد -استبداد هم اعم است از استبدادی که حکامی و حکومت‌هایی در کشورهای خودشان نسبت به مردم خودشان انجام میدهند، و آن استبداد و دیکتاتوری‌ای که نظام سلطه در سطح جهان به‌وجود می‌آورد- این یک بخشی از این منظومه‌ی فکری است. عزّت ملت‌ها، عزّت ملی و در کشورهای اسلامی عزّت اسلامی؛ استغناء ملت‌ها از تکیه کردن به دیگران و آویزان قدرتها بودن؛ اینها جزو مجموعه‌ی فکری اسلام است. استقلال همه‌جانبه -استقلال بسیار امر مهمّی است- استقلال فکری، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، که از همه مهم‌تر هم استقلال فکری است که میتواند بقیه‌ی این استقلال‌ها را به‌دنبال خودش بیاورد؛ اینها چیزهایی است که در نظام فکری اسلامی و آن منظومه‌ی فکری اسلامی وجود دارد و همینها است که جاذبه میدهد؛ و اینها طراوت دارد، اینها کهنه‌شدنی نیست، اینها تمام‌شدنی نیست.



این شعار معروف «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، تقریباً نوعی حرکت از خاص به عام است، یعنی ذکر عام بعد از خاص است؛ اول میگوییم «استقلال»، بعد میگوییم «آزادی». استقلال بخشی از آزادی است یعنی اگرچنانچه آزادی فردی را ملاحظه کنیم، این یک روی سکه است، اما آزادی از سلطه‌ی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها روی دیگر سکه است؛ این هم آزادی است؛ پس بنابراین استقلال جزو آزادی است و کسانی که آزادی می‌خواهند اگرچنانچه استقلال را نفی کنند - که متأسفانه آدم گاهی میبیند بعضی از روشنفکرانها مفهوم استقلال و مصادیق استقلال را با یک سفسطه‌های بظاهر منطقی و در واقع ضد منطقی نفی میکنند - در واقع با آزادی مخالفند. استقلال، بخش غیرقابل انفکاک از آزادی است یعنی جزئی از آزادی است. جزئی از مفهوم آزادی، استقلال یک کشور است؛ آزادی در مقیاس یک ملت است؛ معنای این استقلال است. آن وقت همه‌ی اینها جزو جمهوری اسلامی است؛ یعنی جمهوری اسلامی هم، نه فقط آزادی است، نه فقط استقلال است، بلکه شامل اینها هم هست و شامل معارف فراوان دیگر. اینها را وقتی ما تشریح میکنیم برای افراد مخاطب خودمان، می‌بینیم این جاذبه دارد؛ اینها دلها را جذب میکند.

نتیجه‌ی این نگاه‌های فکری، این است که ملت خودباوری پیدا میکند که امروز ملت ما این خودباوری را پیدا کرده. این خودباوری در کشور ما بحمدالله روزبه‌روز هم زیاد شده است. با اینکه دائماً مانع ایجاد کرده‌اند، مدام بر سرش زده‌اند، مدام جلوی پیش گرفته شده به انحاء مختلف، اما خوشبختانه خودباوری در کشور ما روزبه‌روز رو به رشد است. خودباوری هست، آزادی فکری هست، آزادی عملی هست - یعنی آزادی فردی نه با منطقی آزادی فردی غربی و آمریکایی؛ آنها ضد آزادی است؛ آزادی به معنای حقیقی کلمه - سبک زندگی اسلامی هست، نوآوری هست، هم‌افزایی هست، اتحاد ملی هست. اینها چیزهایی است که با داشتن آن تفکرات، اینها در ذهنیت جامعه، در عمل جامعه، در واقعیت جامعه تحقق پیدا میکند و همه‌ی اینها در جهت ارزشهای اسلامی [است]. خوب اینها یک ملت را رشد میدهد. وقتی در یک ملتی، نگاه فکری مستقلی بود، اعتمادبه‌نفس ملی وجود داشت، ابتکار وجود داشت، نوآوری وجود داشت، تلاش و کار وجود داشت، وحدت کلمه‌ی بین همه‌ی نیروها وجود داشت، حرکت مستمری وجود داشت، این خصوصیات موجب میشود که یک ملت رشد پیدا کند. و ملت ما رشد پیدا کرده خوشبختانه. و البته موانع زیاد بوده که عرض میکنم.

شما تصوّر کنید آن روزی را که ایران در پیشرفته‌های مادی در سطح کشورهای پیشرفته‌ی امروز باشد؛ از لحاظ علم، از لحاظ فتاوری، از لحاظ ثروت‌آفرینی. یک کشوری با این خصوصیات: با علم پیشرفته، با صنعت پیشرفته، با یک جمعیت ۱۵۰ میلیونی یا ۲۰۰ میلیونی، و با برخورداری از معنویت، یعنی دنبال سلطه نیست، دنبال زورگویی نیست، دنبال تحمیل حرف خودش به دیگران نیست، به مظلومین کمک میکند، و در مقابل گنده‌گویی‌های زورگوهای دنیا می‌ایستد؛ یک کشور این‌جوری را تصوّر کنید؛ ببینید این چقدر برای استکبار جهانی سنگین است! همه‌ی تلاشی که امروز میشود در مواجهه‌ی با جمهوری اسلامی، برای این است که چنین روزی پیش نیاید؛ برای این است که این آینده برای جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکند: یک کشور پیشرفته و دارای همه‌ی شاخصهای پیشرفته‌ی مادی و درعین حال برخوردار از معنویت، برخوردار از صفای معنوی، برخوردار از سبک زندگی اسلامی، برخوردار از برادری، وحدت ملی، هم‌افزایی ملی و بدون تعدی و تجاوز به دیگران؛ می‌خواهند چنین روزی برای ایران اسلامی پیش نیاید



و همه‌ی فعالیتها، همه‌ی تلاشها، همه‌ی توطئه‌ها برای یک چنین چیزی است؛ دعا این است. دعا بر سر این است که اگر یک کشور اسلامی با این خصوصیات به وجود بیاید، بساط استکبار برچیده است، بساط کفر برچیده است. کشوری که بتواند این جور پیشرفت بکند، این جور ظواهر مادی را برای خودش تأمین بکند، درعین حال متکی به خدای متعال، ذاکر الله، شاکر الله، عابد الله، ساجد الله و در مقابل احکام الهی تسلیم و خاضع، میدانید چه جاذبه‌ای، چه مغناطیسی در دنیا درست میکند و چگونه دل‌های ملت‌ها را جذب میکند! میخواهند این پیش نیاید؛ دعوای سر این است. اگر با پیشرفت علمی ما مقابله میکنند، اگر با حضور سیاسی ما در کشورها مقابله میکنند - که صریحاً میگویند که ایران در منطقه نفوذ دارد، در کشورها نفوذ دارد، روی ملت‌ها نفوذ دارد- اگر این فشارهای اقتصادی را وارد میکنند، برای این است که چنین وضعی پیش نیاید؛ چنین روزی پیش نیاید.

نقطه‌ی مقابلش ما هستیم؛ ما ملت ایران، ما جوانها، ما اهل ابتکار، ما علمای دین، ما روشنفکران دانشگاهی. ما هستیم که باید در مقابل این حرکت، آن حرکت اساسی خودمان را حول محور همان منظومه‌ی فکری پیش ببریم. باید همه تلاش کنند، همه کوشش کنند، همه کار کنند و همه بدانند دشمن میخواهد چه کار کند؛ حواسشان همه جمع باشد. این آن حساسیتی است که من میخواهم در همه‌ی مسئولین کشور به وجود بیاید، بدانند که دشمن در چه کار است؛ بدانند که هدف دشمن چیست؛ با لبخند دشمن، با احیاناً یک مساعدت کوتاه‌مدت دشمن در یک امری، در یک مسئله‌ای، یا فرض کنید مساعدتی که در یک جا کرد، یک همراهی‌ای کرد، یک کلمه حرفی احیاناً - که خیلی هم بعید است- به نفع جمهوری اسلامی بر زبان آورد، به این حرفها ما فریب نخوریم؛ بدانیم دشمن چه کار میخواهد بکند.

امروز البته دشمن، استکبار جهانی است. استکبار جهانی هم یک امر موهوم نیست؛ یک امر واقعی است و دارای مصادیق روشنی است؛ آمریکا بزرگ‌ترین مصداقش است و پشت سر هیئت حاکمه‌ی آمریکا، کمپانی‌ها و تراست‌ها و کارتل‌ها و سرمایه‌داران جهان خوار غالباً صهیونیست هستند که در همه جا هم گسترده‌اند؛ مخصوص آمریکا هم نیست؛ در اروپا هم اینها بشدت نفوذ دارند، در بعضی جاهای دیگر هم همین جور؛ این معنای استکبار است. شیشه‌ی عمر این استکبار با یک چنان حرکت اسلامی شکسته خواهد شد که پیدایش این حرکت با انقلاب اسلامی انجام گرفته، ادامه‌ی آن با جمهوری اسلامی و تداوم حرکت جمهوری اسلامی در خط انقلاب تأمین شده، و آینده هم همین طور دارد پیش میرود. چیزهایی را انسان مشاهده میکند که واقعاً انسان [امیدوار میشود]. گاهی این نمایشگاه‌های پیشرفته‌های گوناگون را در بخشهای مختلف، می‌آورند پیش ما - بعضی‌هایش اعلام شدنی است که اعلام میشود، بعضی‌ها هم اعلام شدنی نیست که اعلام نمیشود ولی ما از نزدیک می‌بینیم - واقعاً دستان این جوانهای ما دستان معجزه‌گر است. جوانهای کم‌سال، با انگیزه، با ایمان، با توانایی، با قابلیت، با روحیه‌ی خوب، و آن وقت با توکل به خدا، با صلوات، با نماز، با توجه، با خواندن آیه‌ی قرآن، کارهای بزرگی را دارند انجام میدهند، کارهای خوبی را دارند انجام میدهند؛ و ان شاء الله این پیشرفته‌ها در انتظار جمهوری اسلامی است.



عرض کردم، ما یک کشوری [هستیم] با این همه امکانات و ثروتها. آن روز در جمع برادران محترم هیئت دولت، (۵) بنده گفتم که یک گزارشی به من داده‌اند که ما از معادن کشور - که یکی از مهم‌ترین منابع ثروت کشور ما، معادن زیرزمینی ما است - چهارده درصد استفاده می‌کنیم؛ وزیر محترم صنعت و معدن از آن طرف گفت که درست است، گزارش همین است. خب، ما این جور کشوری هستیم؛ ما تاکنون از چهارده درصد منابع زیرزمینی کشورمان استفاده کرده‌ایم. موقعیت جغرافیایی، امکانات گوناگون فرهنگی، عمق و نفوذ فرهنگ اسلام و معارف اهل بیت در دنیا؛ اینها چیزهای کوچکی نیست؛ اینها ثروتهای خیلی عظیمی است و اینها همه در اختیار ما است. خب، بنابراین عرض ما این است که ما مجلس خبرگان، مسئولین کشور، شخصیت‌های مؤثر و دارای منبر در فضای عمومی - چه در مطبوعات، چه در مراکز نطق و بیان - آن کسانی که میتوانند حرف بزنند، میتوانند اثر بگذارند، بایستی این آینده را هرچه بیشتر تشریح بکنند، [دلها را] به سمت این آینده سوق بدهند، دلها را امیدوار کنند، آرامش و سکینه‌ی لازم را در دلهای مؤمنین به وجود بیاورند تا پیش برویم؛ ما بحمدالله در حال پیشرفتیم.

و اما یکی دو مسئله‌ی روز و قابل توجه و مهم هم هست که اجمالاً عرض می‌کنم: یکی مسئله‌ی برجام است، یکی مسئله‌ی بعد از برجام است که به نظر من مسئله‌ی بعد از برجام، از مسئله‌ی برجام مهم‌تر است. خب، در مسئله‌ی برجام ما آنچه نظرمان بود و باید عرض بکنیم، در خلال این ایام - چه پیش از اینکه این توافق انجام بگیرد، چه بعد از آنکه این توافق انجام گرفته است - عرض کرده‌ایم. یک بحثی که امروز وجود دارد بحث مجلس است؛ وضع حقوقی و قانونی و مانند اینها را کسانی که اهل این مسائل هستند باید بررسی کنند و ببینند که اقتضائات حقوقی و آنچه الزامات حقوقی این مسئله است چیست و طبق همان بایست عمل بشود؛ ما وارد آن نمیشویم. لکن آنچه از نگاه کلی من عرض می‌کنم - که به آقای رئیس‌جمهور هم این را عرض کرده‌ام - [این است که] به نظر ما مصلحت نیست که ما مجلس را از این قضیه برکنار بداریم؛ چون قضیه‌ای است که بالاخره دو سال است که کشور به‌طور کلی متوجه به آن است و حالا هم به یک نتایجی رسیده؛ [پس] باید مجلس وارد بشود. حالا مجلس چه بکند؟ بنده هیچ توصیه‌ای ندارم به مجلس شورای اسلامی که با این چه جوری عمل بکند. اولاً نوع تصمیم‌گیری چه جوری باشد؟ به‌نحو تصویب یا رد باشد، یا به‌نحو دیگری تصمیم‌گیری کنند؟ آیا رد کنند، آیا تصویب کنند؟ بنده هیچ توصیه‌ای ندارم. نظر متبّع، نظر نمایندگان ملت است در مجلس و اینکه [مجلس] چه بکند، چه نکند را ما عرض نمی‌کنیم. ما معتقدیم که بالاخره خوب است مجلس را برکنار نکنیم و نمایندگان ملت باید تصمیم بگیرند.

و اما مسائل بعد از برجام. به نظر ما برخی از مسائل هست که اینها را مسئولین کشور - که البته ما با برادران عزیز و صمیمی خودمان در دولت هم اینها را در میان می‌گذاریم و گذاشته‌ایم، برای اطلاع آقایان هم عرض می‌کنیم - [باید مورد توجه قرار بدهند]. اولاً اگرچه بظاهر در مقابل ما شش دولتند اما در واقع آن که فعال است یک دولت است؛ و آن دولت آمریکا است که به‌طور کامل در این مسئله وارد میدان است و مشغول عرق ریختن و فعالیت کردن و تلاش کردن هستند. مسئولین آمریکایی خیلی بد حرف می‌زنند؛ باید تکلیف این حرفها روشن بشود؛ بالاخره [یک] طرف قضیه ما هستیم، یک طرف هم آمریکایی‌ها هستند. یک بار می‌گویند که چهارچوب تحریمها حفظ خواهد شد؛ پس ما نشسته‌ایم این چند وقت، برای چه صحبت کرده‌ایم؟ صحبت کردیم که چهارچوب تحریمها برداشته بشود،



تحریمها برداشته بشود. قرار است که چهارچوب تحریمها حفظ بشود! حالا من نمیدانم معنای «چهارچوب تحریمها حفظ بشود» چیست؟ ممکن است باز این را هم یک جور معنا کنند اما آنچه از این حرف برمی آید، درست مخالف آن علتی است که ما رفتیم برای مذاکره؛ والا ما چرا مذاکره کنیم! ما داشتیم کار خودمان را میکردیم؛ نوزده هزار سانتریفیوژ ما درست کرده بودیم، میتوانستیم در مدت نه چندان بلندی آن را برسانیم به پنجاه هزار سانتریفیوژ یا شصت هزار سانتریفیوژ؛ هیچ مشکلی برای ما وجود نداشت که این کار را نکنیم؛ [سوخت] بیست درصد را تولید میکردیم، میتوانستیم ادامه بدهیم؛ تحقیق و توسعه را انجام میدادیم، همچنان به همان شکل و با همان سرعت میتوانستیم انجام بدهیم؛ و همچنین بقیه چیزها را. اینکه نشستیم مذاکره کردیم، در بعضی از موارد کوتاه آمدیم، یک امتیازاتی دادیم، عمدتاً برای این بود که تحریمها برداشته بشود؛ اگر بنا است تحریمها برداشته نشود، پس معامله ای وجود ندارد، دیگر اصلاً این معنا ندارد. مسئولین این را باید مشخص کنند و نگویند که مثلاً او برای قانع کردن رقبا داخلی خودش این حرف را میزند. بله، دعوایی که در آمریکا هست، دعوای واقعی است؛ بنده عقیده ندارم که دعوای صوری و ظاهری است، واقعاً اختلاف دارند، علت اختلافشان هم برای ما روشن است؛ لکن به هر حال آنچه رسماً گفته میشود، پاسخ لازم دارد؛ اگر پاسخ داده نشود همان تثبیت خواهد شد. این یک مطلب است.

نکته ی دوّم این است که اینها راجع به همان بخشی از تحریمها هم که اظهار میکنند که برداشته خواهد شد، میگویند تعلیق یا متوقف میشود؛ مسئله ی ما این نبوده. مشخص است که تحریمهای اقتصادی باید برداشته شود؛ گفتیم هم فوراً! حالا «فوراً» را معنا کردند، ما هم حرفی نزدیم، اشکال ندارد؛ دوستان ما در اینجا آن «فوراً» را به یک شکلی معنا کردند، یک ترتیبی برایش انتخاب کردند، ما هم مخالفتی نکردیم. لکن بالاخره [تحریمها] باید برداشته بشود، توقف تحریم نداریم، تعلیق تحریم نداریم؛ اگر آنها تعلیق میکنند، خوب پس ما هم اینجا تعلیق میکنیم، اگر این جور است ما اقدام اساسی روی زمین چرا انجام بدهیم؛ بنابراین [منظور] لغو تحریمها است. البته در بعضی از موارد گفتند که لغو دست دولت آمریکا که طرف مذاکره ی ما است، نیست؛ آنها را گفتند که متوقف میکنیم و از حقوق قانونی خودمان استفاده میکنیم و کارهایی از این قبیل؛ اما آن چیزهایی که دست خود دولت آمریکا است یا آنچه دست دولتهای اروپایی است، آنها به طور کامل [باید برداشته شود].

مطلب دیگر این است که آنها در اظهاراتشان حرفهایی میزنند که بکلی خارج از مقوله ی توافق هسته ای و مانند این حرفها است؛ یک چیزهایی که بکلی دور از این حرفها است. آقایان و خانمها در مجموعه ی هیئت حاکمه ی آمریکا مثل انگلیسی های قرن نوزدهم حرف میزنند؛ یعنی از دنیا و از تاریخ، واقعاً دو قرن عقبند! یک جوری حرف میزنند که فرض کنید لردگرژن (۶) در یک زمانی در خلیج فارس نسبت به ایران یا نسبت به منطقه حرف میزد؛ حرف زدنشان این جوری است؛ دنیا فرق کرده. امروز ابرقدرت ها چنین قدرتی ندارند، چنین توانایی ای ندارند، عرضه ی یک چنین کاری را ندارند؛ بعد هم طرف، جمهوری اسلامی است؛ طرف، فلان کشور عقب افتاده ی فلان قاره نیست که شما هم هرچه که دلتان بخواهد بگویید؛ نخیر، جمهوری اسلامی است، با توانایی هایی که خود شما بعضی از این توانایی ها را می شناسید، بعضی را هم که نمی شناسید ممکن است در هنگام عمل بشناسید؛ این جوری نیست که بنشینند مرتب تهدید بکنند؛ این جوری حرف میزنند.



از جمله‌ی حرفه‌ایی که میزنند این است که ما انتظار داریم که مسئولین جمهوری اسلامی یا دولت جمهوری اسلامی، کاری متفاوت انجام بدهد! متفاوت یعنی چه؟ متفاوت از چه؟ متفاوت از گذشته‌ی جمهوری اسلامی؟ نخیر، چنین چیزی اتفاق نمی‌افتد؛ متفاوت، یعنی از ارزشهای اسلامی عبور کردن، یعنی پایبندی به احکام اسلامی را از دست دادن؛ معنای متفاوت از نظر آنها این است؛ چنین اتفاقی نمی‌افتد. نه دولت، نه مجلس، نه مسئولین مطلقاً چنین کاری را نمیکنند و [اگر] کسی هم بخواهد چنین کاری را بکند، مردم از او قبول نمیکنند، نظام جمهوری اسلامی قبول نمیکند و چنین چیزی معنی ندارد. منظورشان از متفاوت این است که [ایران] وارد چهارچوب سیاستهای آمریکا در این منطقه بشود؛ آمریکا در این منطقه سیاستهایی دارد، نظراتی دارد. یکی از این نظرات این است که بایستی نیروهای مقاومت این منطقه بکلی محو بشوند، نابود بشوند؛ یکی از نظراتشان این است که بایستی دولت آمریکا بر کشورهای عراق و سوریه و بقیه‌ی اینها تسلط کامل داشته باشند؛ نظرات آنها اینها است، کارهایی که میخواهند انجام بدهند همین کارهایی است که به این چیزها منتهی میشود. [آنها] توقع دارند که مسئولین ما، دولت ما و سیاستمداران ما در جهت این سیاستها عمل کنند؛ چنین چیزی اتفاق نخواهد افتاد.

از جمله‌ی حرفه‌ایی که میزنند و ما را حساس میکند، این است که میگویند برجام فرصتهایی را -هم در داخل ایران و هم در بیرون از ایران و در منطقه- در اختیار آمریکا قرار داده؛ این را آمریکایی‌ها میگویند و جزو حرفهای آنها است. عرض من به دوستانمان در دولت و در مسئولیتهای گوناگون این است که اجازه‌ی این فرصت‌طلبی را در داخل مطلقاً به آمریکا ندهید؛ در خارج هم تلاش کنید که این فرصتها در اختیار آمریکا قرار نگیرد. هرچه آنها به این فرصتهای خودشان نزدیک بشوند، یقیناً ذلت ملتها و عقب‌ماندگی و محنت کشورها از آنجا شروع خواهد شد، مطلقاً نباید اجازه داده بشود که اینها در داخل کشور از فرصتهایی استفاده کنند. ما این را گفته‌ایم و اعلان کرده‌ایم که در هیچ مسئله‌ای جز مسئله‌ی هسته‌ای با آمریکایی‌ها طرف صحبت نمیشویم؛ هم به مسئولین سیاست خارجی مان گفته‌ایم، هم به بقیه‌ی مسئولین گفته‌ایم که داخل نمیشویم. علت هم همین است که جهت‌گیری آنها درست نقطه‌ی مقابل جهت‌گیری ما است، ۱۸۰ درجه ما با هم تفاوت داریم. یک بخش این قضیه است.

یک بخش هم بخش اقتصادی است؛ که حالا مسائل سیاسی ما یک بخش از قضیه است، مسائل اقتصادی مسئله‌ی مهمی است. ما از برادرانمان در دولت خواهش کردیم که یک برنامه‌ی جامع عملیاتی و کاربردی برای تحقق سیاستهای مقاومت اقتصادی تهیه کنند؛ این را ما، هم در جلسه‌ی با هیئت دولت گفتیم، هم به آقای رئیس‌جمهور محترم گفتیم؛ و انتظار داریم که ان شاء الله این تهیه بشود. اقتصاد مقاومتی قابل تجزیه نیست که ما بگوییم این بخش از آن را عمل میکنیم؛ نه، یک کل است، یک مجموعه‌ی کامل است که اجزای آن مکمل یکدیگر هستند؛ یک برنامه‌ی عملیاتی واحد لازم دارد که به همه‌ی اجزای آن برسد. البته برادرانمان در دولت این همّت و نیت را دارند، تلاش هم ان شاء الله خواهند کرد و این کار تحقق پیدا میکند. اگرچنانچه این اتفاق بیفتد، برای ما هیچ اهمیتی ندارد که آن مقدار پولی که به ایران برمیگردد مثلاً صد میلیارد دلار است یا پنج میلیارد دلار؛ یعنی واقعاً اهمیتی این در



درجه‌ی بعد قرار میگیرد. البته آنچه ما از دنیا طلبکاریم، آنچه در دست دیگران داریم - که تاکنون به نحو ظالمانه‌ای جلوی آن گرفته می‌شده - باید مورد استفاده‌ی ما قرار بگیرد، در این بحثی نیست اما اهمیّت تحقق اقتصاد مقاومتی که اصلاً هم متوقف به این پولهای خارجی به این شکل و با این شدت نیست، بیشتر از همه‌ی اینها است. به نظر ما اگر بتوانیم این اقتصاد مقاومتی را با یک برنامه‌ی عملیاتی - نه فقط در زبان - تحقق ببخشیم و در خارج پیاده بکنیم، کارمان بخوبی پیش خواهد رفت و مردم هم به ما کمک خواهند کرد. عرض کردیم که یک ستاد عملیاتی فعالی هم در دولت ان شاء الله تشکیل بشود که دنبال کنند، تکلیف هر دستگاهی را معین کنند که کدام بخش از کار، به‌عهدی کدام یک از دستگاه‌های اقتصادی و غیرخدماتی است؛ و زمان‌بندی کنند، معین کنند که در چه مدت و در چه زمانی این وظیفه را آن دستگاه انجام خواهد داد و پیگیری کنند تا اینکه ان شاء الله این کار انجام بگیرد و این تحرک عظیم و همه‌جانبه‌ی ملی تحقق پیدا کند.

آنچه من در پایان عرایض عرض میکنم این است که نیروهای مؤمن ما در سرتاسر کشور بدانند که حرکت، به‌سمت اهداف و آرمانهای اسلامی است؛ در این هیچ تردیدی نیست. و همه خودشان را آماده نگه‌دارند، همه آماده باشند؛ نیروهای مؤمن، نیروهای اصیل و معتقد در سرتاسر کشور - که بحمدالله اکثریت قاطع این کشور را هم تشکیل میدهند - آماده‌به‌کار باشند. آماده‌به‌کار به معنای آماده‌ی جنگ نیست؛ یعنی هم آماده‌ی کار اقتصادی باشند، هم آماده‌ی کار فرهنگی باشند، هم آماده‌ی کار سیاسی باشند، هم آماده‌ی حضور در میدانها و عرصه‌های مختلف باشند؛ آماده باشند، ما همه باید آماده باشیم. در مقابل این جهت‌گیری‌های دشمنان - که دشمنان ما شب‌وروز نمی‌شناسند - ما هم بایستی شب و روز نشناسیم و همه آماده باشیم. و وعده‌ی الهی هم راست است؛ خدای متعال وعده‌اش راست است، ما سوءظنّ به وعده‌ی الهی [نداشته باشیم]. یک‌بار من اینجا عرض کردم (۷) که باید به خدا پناه ببریم و سوءظنّ به وعده‌ی الهی [نداشته باشیم]. خدای متعال لعنت کرده؛ الظّائینَ یاالله ظنّ السّوءِ علیهم دائرَة السّوءِ وَ غَضِبَ اللهُ علیهم وَ لعنهم وَ أعدّ لهم جهنّمَ وَ ساءت مصیراً (۸) یعنی خدا لعنت کرده کسانی را که به خدا سوءظنّ داشته باشند. حُسن ظنّ به خدا این است که وقتی میگوید که «ان تنصروا الله ینصركم»، (۹) این را باور کن؛ این حسن ظنّ به خدا است؛ وقتی میفرماید: لَیَنْصُرَنَّ اللهُ مَنْ یَنْصُرُهُ، (۱۰) این را باور کنیم. اگر حقیقتاً نیت ما نصرت دین الهی است - معنای نصرت خدا همین است - بدانیم که خدای متعال نصرت خواهد کرد و تردیدی در این زمینه نداشته باشیم؛ وقتی انسان با این روحیه حرکت کرد، آن وقت آن سکینه‌ای که عرض کردیم بر دل‌های ما ان شاء الله نازل خواهد شد.

پروردگارا! به محمد و آل محمد آنچه را گفتیم و آنچه شنیدیم و آنچه میکنیم، برای خودت و در راه خودت قرار بده و به کرمّت از ما قبول کن و قلب مقدّس ولیّ عصر را از ما راضی و خشنود بگردان.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته



- (۱) این دیدار به مناسبت هجدهمین اجلاس از چهارمین دوره‌ی مجلس خبرگان رهبری (در روزهای دهم و یازدهم شهریور سال جاری) برگزار شد. در ابتدای این دیدار، آیت‌الله محمد یزدی (رئیس مجلس خبرگان) و آیت‌الله سید محمود هاشمی‌شاهرودی (نایب رئیس اول مجلس خبرگان) گزارشی ارائه کردند.
- (۲) سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۴: «او است آن کس که در دلهای مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند. و سپاهیان آسمانها و زمین از آن خدا است، و خدا همواره دانای سنجیده‌کار است.»
- (۳) همان، آیه‌ی ۷: «و سپاهیان آسمانها و زمین از آن خدا است، و خدا همواره شکست‌ناپذیر سنجیده‌کار است.»
- (۴) سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۱۱۶: «و اگر از بیشتر کسانی که در [این سر] زمین میباشند پیروی کنی، تو را از راه خدا گمراه میکنند...»
(۱۳۹۴/۶/۴) ۵)
- (۶) لرد جرج کرزن (وزیر امور خارجه‌ی بریتانیا در سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۴ میلادی)
- (۷) بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری (۱۳۸۹/۶/۲۵)
- (۸) سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۶: «...که به خدا گمان بد برده‌اند، عذاب کند؛ بد زمانه بر آنان باد. و خدا بر ایشان خشم نموده و لعنتشان کرده و جهنم را برای آنان آماده گردانیده و چه بد سرانجامی است.»
- (۹) سوره‌ی محمد، بخشی از آیه‌ی ۷: «... اگر خدا را یاری کنید یاریتان میکند...»
- (۱۰) سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۴۰: «... قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری میکند، یاری میدهد...»